

اوضاع تجاری و سیاسی دریای خزر در دوره قاجار مهرنوش کاوسی سهل‌آبادی^۱

چکیده

در دوره قاجار، تحت تأثیر قدرتهای خارجی، ایران و دریای خزر، در وضعیت جدیدی قرار گرفتند. با انعقاد معاهده‌های گلستان و ترکمانچای پس از دو دوره جنگهای ایران و روسیه بخشهایی از کشور و دریای خزر در اختیار روسیه قرار گرفت. در پی اهداف سیاسی - اقتصادی روسها، امنیت و توسعه تجاری در دریای خزر برقرار شد. وجود راه آبی دریای خزر، همجواری روسیه با ایران، نیاز شدید روسها به محصولات کشاورزی و دامی ایران، نیاز ایران به تولید کالاهای ارزان قیمت کشور روسیه، موجبات توسعه صنعت حمل و نقل و ارتباطات از طریق دریای خزر و همچنین رونق بنادر آستاراخان و انزلی شد. با اقدامات روسها تجارت دریایی دریای خزر پیشرفت فراوانی یافت؛ بطوری که تا آستانه جنگ جهانی اول، دریای خزر بیشترین نقش را در صادرات و واردات میان ایران و روسیه و حتی تجارت ترانزیتی به کشورهای اروپایی داشت.

با توجه به اهمیت موضوع، در این نوشتار به بررسی اوضاع تجاری و سیاسی ایران و روسیه از راه دریای خزر و روند توسعه تجارت و کالاها تجاری که از طریق دریای خزر جابجا میشدند، پرداخته‌ایم و همچنین مروری به مسیرها و وسایل حمل و نقل تجاری در دوره قاجار داشته‌ایم.

کلید واژگان

ایران؛ قاجار؛ دریای خزر؛ روسیه؛ سیاست و تجارت

۱. کارشناس ارشد توسعه اقتصادی و پژوهشگر بنیاد ایرانشناسی.

مقدمه

در تاریخ ایران، دوره قاجار، دوره‌ی بسیار مهم و تعیین‌کننده از نظر اقتصادی و سیاسی است؛ چرا که حوادث و رویدادهای این دوره، بر روابط ایران با کشورهای اروپایی تأثیر فراوانی داشته است. ایران بدلیل موقعیت جغرافیایی و استراتژیکی، همواره مورد توجه کشورهای مختلف از نظر سیاسی، اقتصادی و تجاری بوده است و همچنین عبور راههای تجاری مهم از ایران همواره بر اهمیت آن از منظر سیاسی و تجاری افزوده است. ایران بدلیل منابع فراوان، شرایط طبیعی و موقعیت ارتباطی همواره مورد توجه و استعمار کشورهای بزرگ صنعتی مانند انگلیس، فرانسه و روسیه قرار داشته است. از عوامل توجه کشورهای صنعتی به ایران میتوان به رقابت این کشورها در تهیه مواد خام اولیه برای کارخانه‌جات صنعتیشان و یافتن بازار فروش برای کالاهای مازاد بر مصرف خود نام برد.

دریای خزر در طول تاریخ همواره بعنوان یک منبع حیات اقتصادی و راه آبی ارتباطی مورد توجه اقوام و ملت‌های همجوار این دریا بوده است. این دریا همواره نظاره‌گر روابط و مناسبات اهالی حاشیه‌نشین و دیگر اقوام خارجی، چه در قالب صلح و یا جنگ بوده است. فعالیت بازرگانان و تجار گذشته نظیر ونیزها، انگلیسیها در قالب کمپانی مسکوی (۱۸۵۳ م.) و فعالیت بازرگانان معروفی چون جان التون جهت گشایش و افتتاح راه تجاری در دریای خزر دال بر اهمیت این دریا است.

در میان این کشورهای اروپایی، روسیه از لحاظ صنعتی در موقعیتی ضعیفتر قرار داشت. با روی کار آمدن پترکبیر و تعیین خط‌مشیهای اقتصادی و سیاسی، این کشور هم در مسیر صنعتی شدن قرار گرفت (مفخم پایان، ۱۳۷۵: ۲۸۶). همسایگی روسیه با ایران، موقعیت نامناسب روسیه از نظر شرایط آب و هوایی، عدم دسترسی به سرزمینهایی مانند هندوستان بدلیل سیطره کامل انگلیس موجب شد روسها مناطق شمالی ایران که دارای ذخایر غنی کشاورزی و دامپروری بود و همچنین دریای خزر را مورد تعرض قرار دهند.

روسها تا زمان آغامحمدخان، بدلیل سلطه و اقتدار کامل وی بر مناطق شمالی ایران و دریای خزر نتوانستند بر این مناطق سلطه یابند، ولی بعد از مرگ وی بدلیل عملکرد نامناسب دولتمردان ایرانی در دو دوره جنگهای ایران و روسیه، فقدان انسجام داخلی و اتحاد درونی و همچنین عقب‌ماندگی ایران از لحاظ تسلیحاتی و صنعتی، بخش وسیعی از مناطق شمالی از دست رفت و در اختیار روسیه قرار گرفت (شمیم، ۱۳۷۴: ۸۵). طبق معاهداتی که در پی این جنگها بسته شد، دست ایران

از دریای خزر که روزگاری قسمت اعظم آن در اختیار ایران بود، کوتاه شد و حتی از داشتن نیروی دریایی هم منع شد.

بعد از عهدنامه ترکمانچای، روسها به فعال مایشاء در دریای خزر تبدیل شدند. بتدریج با رشد کشتیرانی و حمل و نقل دریایی، تأسیس کمپانیهای کشتیرانی معروفی چون قفقاز - مرکوری، ایجاد تأسیسات پیشرفته بندری بخصوص در باکو، آستراخان، کراسنودسک و بدنال آن رونق بندر انزلی، تجارت دریای خزر با ترقی و رونق دو چندانی روبرو گردید. موقعیت کشاورزی و دامپروری ایران بخصوص در زمینه تولیدات کشاورزی و دامی نظیر ابریشم، پنبه، میوهجات و خشکبار، پوست، پشم و چوب آلات سبب گردید که تجارت اینگونه محصولات بخصوص با روسیه رشد فزاینده‌یی پیدا کند. بسیاری از بازرگانان روسی و قفقازی در کنار بازرگانان معروف ایرانی مانند حاج امین‌الضربها (پدر و پسر) و حاج محمدتقی شاهرودی در مبادلات بازرگانی ایران و روسیه و حتی تجارت با اروپا فعالیت گسترده‌یی داشتند. اقدامات وسیع تجار روسی در تأسیس شرکتهای مختلف تجاری دال بر اهمیت تجارت ایران، بویژه از راه دریایی خزر، بوده است.

نوشتار حاضر توجه ویژه‌یی به تجارت میان ایران و روسیه از راه دریای خزر داشته است. روسها بدلیل مشارکت زیاد در تجارت ایران (صادرات و واردات) بخصوص از دوره ناصرالدین شاه، سهم چشمگیری در اقتصاد و بازرگانی ایران یافتند. در واقع، دریای خزر پس از تسلط روسها بر سرزمینهای اطراف آن، به دریای داخلی برای روسها تبدیل شد و در نتیجه، بیشترین فعالیت سیاسی و تجاری را در این منطقه داشتند. در این نوشتار ابتدا به موقعیت جغرافیایی و تاریخی دریای خزر و سپس روابط سیاسی و تجاری ایران و روسیه در دریای خزر و بافت اقتصادی جامعه ایران در دوره قاجار و صادرات و واردات کالاها از طریق دریای خزر پرداخته شده است.

موقعیت جغرافیایی و تاریخی دریای خزر

موقعیت جغرافیایی: دریای خزر بزرگترین دریاچه جهان از نظر جغرافیایی و تاریخی، از دیرباز دارای موقعیت ممتازی بوده است و ایرانیان بدلیل داشتن سواحل طولانی در این دریا، پیوسته در شناخت و برخورداری از آن کوشیده‌اند و در سده‌های اخیر، این امر در بستر رقابتهای گوناگون زمین‌شناسی، جغرافیا، تاریخ، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد، حقوق، سیاست مورد توجه قرار گرفته است؛ بخصوص از روزگاری که ایران با قدرتهای اروپایی رویارویی یافت، رونق بیشتری

پیدا کرده است. از روزگاران کهن بر این دریا نامهای گوناگونی گذارده‌اند که معمولاً در اثر نفوذ یا قدرت یک یا چند قوم بوده است. البته تغییر این نامها در هر دوره، نشان‌دهنده تحولاتی است که از نظر موازنه قدرت در منطقه پدید آمده است.

دریای خزر میان دو قاره آسیا و اروپا قرار دارد که از جنوب به ایران، از مشرق به ترکمنستان، از غرب به جمهوری آذربایجان، از شمال شرقی به قزاقستان و از شمال غربی به روسیه محدود میشود. این دریا در دوره قاجار میان ایران و روسیه و پس از فروپاشی روسیه میان ایران و شوروی تقسیم شد. بعد از شکست ایران در دوره دوم جنگهای ایران و روس و در طی معاهده ترکمنچای که در تاریخ پنجم شعبان ۱۲۴۳ هـ.ق منعقد گردید، رودخانه کوچک آستارا مرز غربی میان ایران و روسیه تزاری و خلیج حسینقلی (مصب رودخانه اترک) در شرق، مرز شرقی میان این دو کشور گردید (مفخم‌پایان، ۱۳۷۵: ۶۷-۶۸).

از دریاچه خزر بعثت گستردگی و عظمت از یک طرف و حفر کانال ولگا-دن و ارتباط با دریاهای آزاد از طرف دیگر و از آنجایی که بعنوان بزرگترین دریاچه جهان محسوب میشود، با نام دریا یاد میکنند. این دریا قسمتی از آسیا و اروپا را مشروب میکند (همانجا). براساس نظر کنیوویچ، دانشمند روسی قرن بیستم، مساحت کلی دریای خزر $436/340 \text{ Km}^2$ است (همان: ۳۹).

وسعت دریای خزر در معرض تغییر و دگرگونی است. در سال ۱۳۴۹ هـ.ش بدون احتساب خلیج قره‌بغاز گل $376/500 \text{ Km}^2$ و با در نظر گرفتن وسعت این خلیج $349/500 \text{ Km}^2$ بوده است (امیر احمدیان، ۱۳۷۵: ۱۷).

حجم آب دریای خزر معادل ۷۷ هزار کیلومتر مکعب و حد متوسط عمق آن ۱۸۰ متر است. بر پایه پژوهشهای بعمل آمده، ایران از جمله کرانه‌های دریای شمال خزر و دریای پارس در دوره باران زیر آب دریای تتیس قرار داشت. دریای تتیس طی ۲۵۰ میلیون سال اندک بسوی باختر پیش رفته و بر درازی آن، در درازای باختر - خاور افزوده شده و همزمان از پهنای این دریا کاسته شده است. این دگرگونی شکل تا آنجا ادامه پیدا میکند که دریای تتیس ناپدید میشود و امروز فقط آثار نمایانی که از آن بر جای مانده، دریای مازندران، خلیج فارس، بخش خاوری دریای مدیترانه، دریای سیاه و دریاچه آرال است (مفخم‌پایان، ۱۳۷۵: ۴۹-۵۱).

رودها: دریای خزر از آبهای حوضه بسیار وسیعی مشروب میشود. وسعت حوضه دریای خزر تقریباً $3/733/000 \text{ Km}^2$ است که $256/500 \text{ Km}^2$ آن در خاک ایران واقع است (بریمانی، ۱۳۲۶: ۲۷).

عمده‌ترین و مهمترین رودها و رودخانه‌ها در مناطق مختلف دریای خزر عبارتند از:

۱. در قسمت جنوب دریای خزر (سواحل ایران): اترک و قره‌سو، تجن، تالار، بابلرود، هراز، چالوس، چشمه کلیه، تنکابن، پلرود، شلمان‌رود، رود چمخاله، سفیدرود، رود پسیقان (پسیخان)، شاخزر، ماسوله، لمبر، گرگانرود.

۲. در سواحل ترکمنستان بجز چند رودخانه محلی و کوچک، رود مشهوری وجود ندارد.

۳. در سواحل قزاقستان تنها رود مهم ورد امبا است.

۴. در سواحل روسیه مشهورترین رودها عبارتند از: اورال^۱ و ولگا^۲. رود ولگا را در قدیم اتیل یا اتل میخواندند که از حیث صید ماهی و داشتن تأسیسات شیلاتی و دارا بودن موقعیت ارتباطی دارای اهمیت است.

۵. در حوزه قفقاز (داغستان، شروان و اران) رودهای زیادی جریان دارد که از جمله آنها میتوان ترک^۳، سمور^۴، کوما^۵ و ارس^۶ را نام برد (همانجا).

خلیجها: مهمترین خلیجهای دریای خزر عبارتند از: خلیج کمسو مولتس^۷ در شمال شرقی، قره بغاز در شرق (بخش خزر میانه) کراسنودسک^۸ در شرق و جنوب قره بغاز، بالخان^۹ در شرق، خلیج حسینقلی در جنوب شرقی و جنب چکشلر ترکمنستان (مصوب رود اترک)، خلیج گرگان در جنوب، خلیج انزلی، قزل آقاج در غرب میان سالیان و لنکران، آقراخان در غرب و نزدیک شهر کیز لر (مصوب رود ترک) (همان: ۴۷-۵۳).

دماغه: دماغه‌های معروف دریای خزر عبارتند از: تیوب کارگا در شمال شبه جزیره من قشلاق، راکوشچنی^{۱۰} و تیوماک در شرق، دماغه کواولی^{۱۱} در شمال بندر کراسنودسک، بویناق در کناره غربی و جنوب بندر مخاچ قلعه (همان: ۵۷).

1. Oral
2. Wolga
3. Terek
4. Sammour
5. Kouma
6. Aras/Arax
7. Komsomolets
8. Krasnovodeske
9. Balkhane
10. Rakuchetchnei
11. Buinak

شبه جزایر: مشهورترین شبه جزایر دریای خزر عبارتند از: بوزاچ در شمال شرقی دریای خزر، من قشلاق (سیاه کوه) در شرق، وارجا در جنوب خلیج کراسنودسک، میان کاله در جنوب، انزلی در جنوب، آبشرون (آبشوران) نزدیک باکو، اوچ در غرب و نزدیک خلیج آقراخان (همان: ۵۵-۵۶) جزایر: حدود پنجاه جزیره در دریای خزر وجود دارد که مساحت کلی آن تقریباً ۳۵۰ کیلومتر مربع است (امیر احمدیان، ۱۳۷۵: ۱۷-۱۸). مهمترین این جزایر عبارتند از: جزیره چتریخ بوگرانی^۱ در جنوب رودخانه ولگا، لیبازی^۲ و بوئینسک^۳ و کیرل^۴ جزایر کوچکی هستند در شمال غربی، بوزاچ در بخش شمال شرقی، کولالی^۵ نزدیک من قشلاق، چلکن^۶ در شرق و جنوب وارجا، آگورچینسک^۷ در شرق و جنوب چلکن، جزایر آشوراده در شرق و رأس شبه جزیره میان کاله، جزایر دووانی^۸ و نارگین^۹ بولا^{۱۰} در جنوب شرقی بادکوبه، ژیلوی^{۱۱} و آرتیم^{۱۲} شرق بشوران نزدیک باکو، چچن^{۱۳} در شمال خلیج آقراخان (بریمانی، ۱۳۲۶: ۵۳-۵۵).

موقعیت تاریخی: در بندهشن از دریای خزر با نام کم رود یا کامرود یاد شده که در نزدیکی طبرستان است همچنین در جای دیگری از همین کتاب از این دریا با عنوان فراخکرد یاد شده که در نزدیکی رشته کوه البرز است و علت اینکه به این نام خوانده میشود این است که رودها و دریاهاى زیادی به آن ریخته میشوند. همچنین در بندهشن از دریای خزر بعنوان یکی از دریاهاى که آب آن شور است یاد شده است (فرنبرگ دادگی، ۱۳۶۹: ۷۳-۷۴).

نویسندگان یونانی و رومی در روزگار باستان از این پهنه به نامهای دریای کاسپین، دریای هیرکانی، آلبانیا یاد کرده اند و در متنهای لاتینی با تلفظهای کاسپیوه ماره، هورکانیوم ماره، آلبانیوم ماره

1. Tchyriekh Bugornei
2. Lebigi
3. Lainsk
4. Lirele
5. Kulali
6. Tchekene
7. Ogurchinske
8. Duvanni
9. Nargine
10. Bulla
11. Chyloi
12. Artom
13. Tchetchene

برخورد میکنیم. هکاتی میلیتی، جغرافیدان و تاریخ‌نگار یونانی (سده پنجم و ششم قبل از میلاد)، در آثار خود از دریای شمال ایران با عنوان کاسپیوه ماره نام برده است (امیراحمدیان، ۱۳۷۵: ۲۰). کهنترین مدارک بازمانده درباره دریای خزر متعلق به مورخ نامدار یونانی، هرودت (۴۸۴-۴۰۷ ق.م) است. وی در سال ۴۵۸ ق.م، به «اولبیا» سفر کرد و در آنجا از مسافران و بازرگانان اطلاعاتی درباره دریای خزر بدست آورد و بر پایه همین آگاهیها میگوید این دریا به هیچ دریایی راه ندارد و پیرامون آن را خشکی فراگرفته است. وی از این دریا با عنوان کاسپیون پلاگوس نام برده است و کاسپیها را قومی در غب دریا دانسته که بمرور در مادها ادغام شده‌اند. ارسطو در سال ۳۴۸ ق.م گفته هرودت را درباره دریای خزر تأیید کرده است (عسگری، ۱۳۵۰: ۶۱).

استرابون، جغرافیدان یونانی (سده اول قبل از میلاد) آگاهیهای گسترده‌تری درباره دریای شمال ایران ارائه داده است. همچنين، پمپونیوس ملا و پلینی در سال ۶۹ م، اطلاعات بسیاری درخصوص این دریا ارائه دادند. از دیگر جغرافیدانانی که اطلاعات و آگاهیهای بسیاری در مورد این دریا ارائه کرده است، بطلمیوس است (امیراحمدیان، ۱۳۷۵: ۲۱).

آگاهیهای دانشمندان عرب و ایرانی از دریای خزر که با آثار جغرافیدانان یونان باستان آشنایی داشتند، گسترده‌تر است. خوارزمی، ریاضیدان و منجم بزرگ ایران، ویژگیهای دریای شمال ایران را از نظر دانش ریاضی تعیین کرده است (همانجا).

اصطخری در کتاب مسالک و ممالک، از این دریا با عنوان دریای خزر یاد کرده است. وی در این کتاب در مورد دریای خزر، رودها، جزایر و شهرهای حواشی آن اطلاعات ارزشمندی ارائه نموده است. در کتاب المنجد، لغت‌نامه دهخدا و دائرةالمعارف اسلامی نام این دریا به نام دریای قزوین آمده است (افشارسیستانی، ۱۳۸۱: ۲۶۴). حمزه بن حسن اصفهانی، مؤلف کتاب تاریخ سنی ملوک الارض و الانبیاء، تألیف سده چهارم هجری قمری، از دریای شمال ایران با نام طبرستان یاد کرده است (حسن اصفهانی، ۱۳۴۶: ۲۰۵).

اسامی دریای خزر: در طول تاریخ همواره دریای خزر نامهای متعددی داشته که بنظر میرسد هیچ دریای دیگری دارای این همه عنوان نبوده است که در دوره‌ی از تاریخ بر این دریا تسلط و بر دیگر اقوام حواشی آن برتری داشتند و یا به سرزمینها، مناطق و شهرهای اطراف آن اطلاق میشد. اسامی این دریا در دوران پیش از اسلام شامل پانزده عنوان بوده است که عبارتند از: وئوروکش (فراخکرت)، وهرگان (هرکانه)، ساکازنه (سکا/سرمت/سیت)، کاسپین، طبرستان،

زرایه و روشکا، گیلان، قزوین، پهلوی، بابالباب (باب)، کم‌رود، اکفوده (باکو)، سی‌هایی (دریای مغرب)، خزر، دیلم (همان: ۸۹-۱۲۲)

این اسامی پس از اسلام حدود بیست عنوان بوده است که عبارتند از: آبسکون، آستراخان، آلبانی (طالش امروزی)، آمل، استرآباد، باکو، جبال، خراسان، خوالینسک، دنیز (دریا)، آق دنیز (دریای سفید)، دهستان (شرق گرگان و شمال آبسکون)، سارایی، ساری، شیروان، غز، گرگان، گسکر و کپورچال (در گیلان)، مازندران، مغان (همان: ۱۲۵-۱۴۱).

از ساکنان پیرامون دریای خزر که قوم ایرانی یا وابسته به سرزمین و فرهنگ و تمدن ایران که در پیرامون این دریا سکونت گزیده‌اند، شامل کاسپینها، دیلمها، کیلها، آمورها، تپورها و هیرکانی بوده‌اند. ایرانیان از کهنترین روزگار با این دریا آشنا بوده و با ساکنان شرق و غرب دریا در ارتباط بوده‌اند و نخستین برخورد‌های تمدنی از این دریا و تجارت توسط آنان صورت گرفته است. دریای خزر با بسط و نفوذ اسلام در آسیای مرکزی و آسیای غربی آرام آرام بشکل یک دریای اسلامی درآمد. با حضور مغولان در این منطقه، دریای خزر در اختیار آنها قرار گرفت. بمرور، روسها که قبل از مغولان به دریای خزر توجه داشتند، از زمان صفویه به بعد و با تشکیل حکومت روسیه تزاری بر دریای خزر تسلط یافتند.

روابط سیاسی ایران و روسیه و دریای خزر

روسها از گذشته‌های دور بعد از راندن قوم خزران و دیگر اقوام بر شمال دریای خزر سلطه یافتند؛ با وجود این، تسلط واقعی روسها از زمان پتر کبیر ۱۱۰۰هـ.ق و با برنامه‌ها و اقدامات او آغاز گردید (بارتولد، ۱۳۷۵: ۱۴۵).

روسها از زمان تسلط خود بر مناطق شمالی دریای خزر، حملات مختلفی را به نواحی جنوبی دریای خزر (گیلان، مازندران و استرآباد) و جنوب غربی آن داشته‌اند. بنا بگفته ابن اسفندیار، اولین تهاجم روسها به سواحل دریای خزر هنگامی صورت گرفت که حسین بن زید ۲۵۰-۲۷۱ هـ.ق بنیانگذار حکومت علویان در طبرستان و مازندران حکومت داشت. دومین حمله آنان بر طبق گزارش ابن اسفندیار در سال ۳۰۰ هـ.ق اتفاق افتاده بود (ابن اسفندیار کاتب، ۱۳۶۶: ۲۶۶). در سال ۵۷۰-۵۷۱ هـ.ق حمله دیگری از جانب روسها از طرف دریای خزر صورت گرفت. حاکم شیروان در آن زمان فردی بنام شیروان‌شاه ابواسحاق ابراهیم اخستان اول بود که به دفع این تهاجم پرداخت (مفخم پایان، ۱۳۷۵: ۲۸۴). روسها از زمان فرمانروایی داعی کبیر علوی در مازندران تا

پادشاهی مرزبان در آذربایجان که حدود هفتاد سال بود، سه بار از طریق رود ولگا و دریای خزر به سواحل ایران یورش آورده و آنجا را غارت کردند (کسروی، ۱۳۳۷: ۶۴-۶۷).

با روی کار آمدن پتر کبیر در سال ۱۱۰۰ هـ.ق سیاست دریایی روسیه یعنی دست‌درازی بر دریاها از جمله دریای خزر، نمود بیشتری یافت. وصیتنامه پتر کبیر گویای سیاستهای دولت روسیه است. یکی از مناطقی که روسها به آن توجه زیادی نشان میدادند، جزیره آبسکون بود که از گذشته‌های دور اهمیت تجاری داشت. بنا بر سیاستهای از پیش تعیین‌شده روسیه، هدف اصلی آنها این بود که رفته‌رفته خود را به سواحل خلیج فارس رسانده و از آنجا به هندوستان نزدیک کنند.

از زمان صفویه، روابط ایران و روس وارد دوران جدیدی شد و سفیران این دو کشور بارها از طریق دریای خزر آمد و شد کردند. در تاریخ ۲۹ رجب ۱۰۰۳ هـ.ق شاه عباس کبیر یکی از سرداران خود بنام امام قلی خان را با هیئتی از راه دریای خزر به مسکو فرستاد. فدورایونویچ آنها را مورد استقبال قرارداد و سفیری بنام شاهزاده واسیلی توفیاکین را با ۸۵ نفر به ایران اعزام کرد. بسیاری از فرستادگان روسی در دریای خزر تلف شدند و سرانجام، این هیئت در سیزدهم رجب ۱۰۰۶ هـ.ق به ایران رسید (مفخم پایان، ۱۳۷۵: ۲۸۶).

روسها برای مدتی پس از فروپاشی دولت صفویه بر دریای خزر و کرانه‌های آن تسلط داشتند، اما با ظهور نادرشاه ۱۱۱۴ هـ.ق و توجه وی به دریای خزر، این وضعیت برای مدت محدودی خاتمه یافت و سرحدات طبیعی قبلی ایران به این کشور برگردانده شد، اما بعد از مرگ نادر دوباره دریای خزر در سلطه روسها قرار گرفت.

دسته‌یی از ناوگان روس در سال ۱۱۹۶ هـ.ق در اشرف (بهشهر) مازندران پیاده شدند و به حاکم آن شهر تقاضای تشکیل یک تجارتخانه را دادند. سپس یک قلعه نظامی درست کردند و همین عامل باعث شد تا آغامحمدخان قاجار متوجه مقاصد روسها شده، دستور خرابی قلعه و استحکامات آنها را صادر کند (آدمیت، ۱۳۴۸: ۴۶۶).

در زمان آغامحمدخان و طی جنگهایی که وی در قفقاز و سواحل ایرانی دریای خزر انجام داد، همواره مناطق ساحلی ایران از گزند و آسیب روسها در امان ماند (مفخم پایان، ۱۳۷۵: ۲۹۰)؛ اما متأسفانه بعد از مرگ آغامحمدخان، بدلیل بحرانهایی داخلی و توسعه طلبیهای روسیه در تصرف کامل دریای خزر و قفقاز، رفته‌رفته دریای خزر و مناطق ساحلی و کرانه‌های آن بخصوص غرب و شرق دریا در اختیار روسها قرار گرفت. با قتل آغامحمدخان در قفقاز، ضربه بزرگی به سیاست

خارجی ایران در برابر روسیه وارد شد؛ زیرا قدرت نظامی و قوت اراده آغامحمدخان می‌توانست از تجاوز سپاه روسیه به قفقاز جلوگیری کند (شمیم، ۱۳۷۴: ۸۵).

قبل از انعقاد قرارداد گلستان در سال ۱۲۲۸ هـ.ق، در سال ۱۲۲۰ هـ.ق قوای نظامی ایران در آذربایجان درگیر جنگ با قشون روسیه به فرماندهی سیسیانف^۱ بودند. این فرمانده روسی برای مشغول کردن سپاهیان ایران در جبهه‌های مختلف، سرهنگ شفت^۲ را مأمور ساخت تا با کمک ناوگان بحری از دریای خزر به گیلان یورش آورد. قوای روسیه ابتدا به طالش و بعد به بندر انزلی حمله کرد و به رشت رسید که در آنجا میرزا موسی خان منجم‌باشی لاهیجانی، حاکم گیلان، توانست طی جنگ با روسها هزاران تن از آنها را نابود کند و بدین ترتیب آنها سوار بر کشتی بسمت روسیه بازگشتند (نفیسی، ۱۳۶۸: ۲۴۷).

بدنبال شکست ایران در جنگهای دوره اول در ۱۲۲۸ هـ.ق با میانجیگری سرگور اوزولی،^۳ سفیر انگلیس، قرارداد گلستان بر ایران تحمیل گردید. معاهده گلستان در گلستان از توابع قراباغ در یازده فصل و یک مقدمه نوشته شد. متعاقب این عهدنامه، مناطق وسیعی از کشورمان از جمله دربند، باکو، شیروان، قراباغ و بخشی از طالش از ایران جدا گشت. علاوه بر این، حق تاریخی ایران بر گرجستان، داغستان و آبخازستان از بین رفت. بعد از عهدنامه گلستان، در مدت ده ساله اول جنگ ایران و روس، تلاشهای بسیاری از سوی قشون ایران جهت برگرداندن ولایات از دست رفته صورت گرفت. بدلیل برخوردهای نادرست و خشونت آمیز مأموران روسی با مردم مسلمان قفقاز، آتش جنگهای دوره دوم ایران و روس در ۱۲۴۱ هـ.ق شعله‌ور شد و در ابتدا پیروزی از آن ایران بود، اما در انتها ایران متحمل معاهده ننگین دیگری شد. این جنگها بدلیل عدم تجهیزات کافی ایران در مقابل روسیه چندان دوام نداشت و همچنین نیروی نظامی ایران بر اثر جنگهای ممتد داخلی و خارجی که طی سی سال از نشستن فتحعلی‌شاه بر تخت سلطنت تا این زمان پی در پی اتفاق افتاد، کاملاً ضعیف شده بود. در این جنگ یأس و نومیدی ولیعهد از غلبه بر سپاه روس و بی‌پولی و درماندگی او در برابر مخارج سپاه، مزید بر علت شد و جنگ را زودتر خاتمه داد و به شکست قطعی ولیعهد و انعقاد عهدنامه ترکمانچای منجر گردید (شمیم، ۱۳۷۴: ۹۹).

طبق این معاهده روسها بر دریای خزر و نقاط استراتژیکی آن تسلط یافتند. علاوه بر این، دریای

1. Sissianoff

2. Sheft

3. Sir Gore Ouseley

خزر دستیابی به نواحی جنوب شرقی و شرقی دریای خزر، آسیای مرکزی و ایران را که از برنامه‌های روسیه بود، آسان میکرد و روسها میتوانند از این طریق در مرزهای هندوستان مانور دهند.

بعد از برکناری امیرکبیر از صدارت، موضوع آشوراده از اهم مسائل سیاسی ایران و روسیه بود. روسها همواره از آن جزیره بعنوان یک پایگاه نظامی برای دستیابی به اهداف اقتصادی و سیاسی خود استفاده میکردند. آنها با بهانه کردن شورش ترکمنها بر آشوراده مسلط شدند و تا سال ۱۹۲۱ م. به سلطه خود بر این جزیره ادامه دادند. سرانجام در طی عهدنامه مؤدّت که در سال ۱۳۴۰ هـ.ق میان ایران و اتحاد جماهیر شوروی منعقد گردید، دست روسها از آشوراده کوتاه شد (آدمیت، ۱۳۴۸: ۵۰۱-۵۰۳). احداث بناهای تجاری و استحکامات نظامی توسط روسها در زمان پادشاهی محمدشاه و در دوران صدارت حاجی میرزا آقاسی در سال ۱۲۵۸ هـ.ق مطرح شد و با اصرار و پافشاری زیاد وزیرمختار روسیه با وجود طرفه حاج میرزا آقاسی از ترس و وحشت اقدام روسها مبنی بر ساخت استحکامات نظامی، بالأخره صدراعظم پذیرفت و وزیرمختار روسیه، هدف از ایجاد استحکامات نظامی را تنها برای رفاه تجار خویش عنوان کرد. با روی کار آمدن ناصرالدین شاه و صدارت امیرکبیر، یکی از تجارخانه‌های روس آتش گرفت و آنها قصد داشتند که آن را دوباره بازسازی کنند که امیرکبیر به هر طریق در تأسیس مجدد آن دخالت کرد و بر سر راه آن موانعی ایجاد کرد. همچنین روسها برای معالجه و درمان ملوانان خود درخواست تأسیس بیمارخانه از دولت ایران کرده بودند که آن را بصورت اجاره‌یی در اختیار روسیه قرار دهد. دولت ایران بعد از یک سال با اصرار سفیر روسیه به تقاضای آنان پاسخ مثبت داد.

کشتیرانی در مرداب انزلی نیز بصورت آزاد برای کشتیهای روسی در اواخر پادشاهی ناصرالدین شاه آزاد شد. روسها از گذشته به دریای خزر توجه زیادی داشتند و در روسی کردن آن تلاشهای گسترده‌یی را انجام دادند و عاقبت در عصر قاجار به این مهم دست یافتند. بعلاوه، برای رسیدن به اهداف اقتصادی و سیاسی خود در ایران، همواره درصدد توسعه سیاسی و تجاری خود در ایالات شمالی ایران از جمله استرآباد و مازندران، گیلان و آذربایجان و خراسان بودند. آنها در طول حکومت قاجار کاملاً بر بازارهای شمالی ایران تسلط یافتند. با توجه به آنکه روسها از سه طرف بر دریای خزر سلطه داشتند، هیچگاه از مناطق حاصلخیز و پراهمیت ایالات شمالی ایران دست برنداشتند و هیچگونه توجهی بر استقلال و تمامیت ارضی ایران نداشتند.

روابط تجاری ایران و روسیه و دریای خزر

ایران بدلیل نامناسب بودن اوضاع سیاسی در اوایل حکومت ناصرالدین شاه، جنگهای میان ایران و روس و همچنین سیاستهای سودجویانه انگلیس و روسیه در پی عهدنامه‌های تجاری و سیاسی مختلف از نظر اقتصادی و سیاسی دچار بحران عظیمی شده بود.

تا اوایل حاکمیت ناصرالدین شاه بر ایران، همچنان بافت و ترکیب سنتی (فتودالی و عشیره‌یی) بر جامعه ایران سلطه داشت، اما رفته‌رفته از اواسط دوره ناصری، تحت تأثیر دستاوردهای تکنولوژی غرب، اقداماتی در ساخت تأسیسات کارخانه‌یی انجام شد؛ بشکلی که ایران را از جامعه بسته و سنتی قرون وسطایی خارج ساخت و به یک جامعه نیمه‌مستعمره و نیمه‌فتودال تبدیل کرد. عبارتی، ایران در مراحل آغازین و ابتدایی رشد سرمایه‌داری با ویژگیهای ایرانی قرار گرفت (طبری، ۱۳۶۰: ۱۰۳؛ ایوانف، ۱۳۵۶: ۹).

در این دوران، اقدامات و اصلاحات امیرکبیر در بخشهای گوناگون جامعه، موجبات تغییراتی را فراهم آورد، اما بسیاری از آنها بدلایل مختلف نتوانست نمود عینی پیدا کند. در این دوران، ایران بصورت یک کشور نیمه‌مستعمره میان انگلیس و روسیه تقسیم شد، بطوری که کم‌کم به یک کشور تحت‌الحمایه بدل گشت.

جامعه ایران در این دوره دارای ویژگیهای خاص خود بود که از جمله آنها میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

- نیمه‌مستعمره‌شدن تدریجی ایران از سوی قدرتهای خارجی بخصوص انگلیس و روسیه
- تغییر و تبدیل در ساختار و ترکیب طبقاتی و حیات اقتصادی ایران و مبدل شدن جامعه ایران به جامعه نیمه‌فتودالی و قرار گرفتن در مسیر نوعی از سرمایه‌داری ایرانی
- نداشتن اصلاحات بنیانی و زیرساختی بواسطه خصلت استبداد سلطنتی و حاکمیت طبقات منتفذ و استعمارطلبان
- ظهور اندیشه‌ها و افکار جدید و شکلگیری قشر روشنفکران و عناصر مترقی جهت تحول و بیداری جامعه بلحاظ اقتصادی و سیاسی که سرانجام به انقلاب مشروطه و حکومت مشروطه منجر گردید.
- پیدایش و شکل‌یابی قشر جدید واسطه و دلال در بورژوازی بازرگانی ایران که تحت تأثیر ورود کالاها و اجناس ارزان قیمت و پرجاذبه روس و انگلیس، صنایع محلی و پیشه‌وری را در ایران با ورشکستگی مواجه کرد (طبری، ۱۳۶۰: ۶۱-۶۲).

نگاهی به بافت اقتصادی جامعه ایران در دوره قاجار

اقتصاد ایران در عصر قاجار در سه مقولهٔ زراعت، صنعت و تجارت خلاصه می‌شد. طبقهٔ کشاورز مهمترین قشر تولید در کشور بحساب می‌آمدند و دو سوم جمعیت را تشکیل میدادند. زراعت و کشاورزی به دو شکل دیمی و آبی صورت میگرفت و مهمترین محصولات عبارت بودند از غلات که شامل گندم، جو، ارزن، ابریشم، برنج، پنبه، توتون و تنباکو، حبوبات و میوه‌جات. وسایل و شرایط کشاورزی تقریباً در سراسر کشور یکی بود و شیوهٔ تولید مرحلهٔ ابتدایی خود را سپری میکرد؛ عبارتی، خبری از کشت و زرع مکانیره نبود (عیسوی، ۱۳۶۹: ۳۲۵-۳۴۴).

دامپروری در کنار زراعت و کشاورزی نیز دارای اهمیت بسیار بود. نگهداری و پرورش گاو و گاو میش، گوسفند، بز، اسب، الاغ، شتر، پرورش مرغان خانگی متداول بود. ایلات و عشایر فارس و آذربایجان و خراسان مهمترین تولیدکنندگان محصولات حیوانی مانند پشم، پوست، گوشت و فرآورده‌های لبنی بودند (مرکز اسناد و خدمات پژوهشی وزارت امور خارجه، کارتن ۱۸، پروندهٔ ۲۸، اسناد ۱۳۰۳ - ۱۳۰۱ ق).

صنایع ایران در عصر قاجار تا زمان حکومت ناصری و اقدامات امیرکبیر همانند گذشته، دستی، محلی و بومی بود. این صنایع محلی و بومی تا حدی نیازمندیهای داخلی را تأمین میکردند. استفاده از ابزارهای ابتدایی مشغول به کار و تولید بودند. در مجموع، آنچه از صنایع و کارخانجات دستی ایران از گذشته باقی مانده بود، در این زمان رونق داشت و از لحاظ ظرفیت و دوام حائز اهمیت بود. این کارخانه‌ها شامل منسوجات ابریشمی، پنبه، مخمل‌دوزی، نمد و قالیبافی، اشیای زرگری، ظروف و کاسه‌های سفالی و لعابدار، چوب‌آلات، منبت‌کاری، قلم‌کاری و خاتم‌کاری بود (جمال‌زاده، ۱۳۶۲: ۸۰). در سال ۱۲۷۷هـ.ق امیرکبیر تلاش گسترده‌یی را در زمینهٔ کارخانه‌های نساجی، کاغذسازی، شیشه‌گری و سفالگری و سفال‌سازی انجام داد که ثمرهٔ چندانی نداشت. در فاصلهٔ سالهای ۱۲۶۵-۱۲۸۵هـ.ق کارخانه‌هایی نظیر ریسندگی، شیشه‌سازی و کارخانهٔ گاز تأسیس شدند که در کارشان چندان موفق نبودند. در سال ۱۲۹۵هـ.ق کارخانه‌های بزرگ با سرمایه‌های خارجی و دولتی یا خصوصی تأسیس شدند، ولی موفقیت آنان نیز چندان چشمگیر نبود (عیسوی، ۱۳۶۹: ۴۰۲-۴۰۳؛ جمال‌زاده، ۱۳۶۲: ۹۳-۹۷).

اندکی بعد با تأسیس شرکت نفت، ایران و انگلیس و چندین کارخانهٔ کوچک تصفیهٔ نفت و پنبه پاک‌کنی و نیز شیلات توسط روسها و نیز ایجاد یک کارخانهٔ قالی‌بافی و ریسندگی و یک کارخانهٔ آجرپزی و چند شرکت دیگر توسط آلمانیها تا حدی در صنایع ایران تحول ایجاد شد (عیسوی، ۱۳۶۹: ۴۰۳).

از مهمترین صنایع عصر قاجار میتوان به موارد زیر اشاره داشت:
صنایع فلزی ساده و ذوب فلزات: مانند مس، سرب، نقر و طلا، آهنگری و حلبی‌سازی، قفل و چاقوسازی و مانند اینها.

صنایع چوبی: در زمینه نجاری و ساختمان‌سازی، منبت‌کاری، ساختن قایق، کشتی، بلم؛ شهرهایی مانند کاشان، بروجرد، شیراز، آباد و ارومیه در ساخت قایق و بلم و کشتی شهره بودند.

صنایع ظریف: مانند زرگری، جواهرسازی، نقره‌کاری، منبت‌کاری که از مهمترین مراکز آن میتوان به زنجان، شیراز، بروجرد، کاشان، اصفهان و خوانسار اشاره کرد.

بافندگی: شامل بافت قالی و قالیچه، کرباس، متقال، شال و برک، پارچه‌های قطنی (کتانی)، زربافی مخمل‌بافی، عبابافی، موتابی (شعربافی) که مواد اولیه آن را پشم، پنبه و ابریشم تشکیل میداد. مهمترین مراکز تولید این محصولات کرمان، خراسان، اصفهان، یزد و تبریز بود.
چرم‌سازی و پوست‌دوزی: این صنعت در شهرهایی مانند تهران، گرگان، همدان و باختران بیشتر رایج بوده است.

صنایع معدنی: سفال‌پزی و کوزه‌گری، آجرپزی، تهیه گچ و آهک و شیشه‌گری.
صنایع غذایی: نانوبی و قنادی که در زمینه شیرینی و قنادی، یزد از همه معروفتر است.
صنایع دارویی: این صنعت از قدیم در ایران اهمیت فراوانی داشته است؛ مانند عصاره گیاه گل گاوزبان، خاک‌شیر، زرشک سیاه که در مراکزى مانند کاشان و فارس اهمیت بیشتری داشته است (جمال‌زاده، ۱۳۶۲: ۷۷-۸۱).

صنایع جدید که در کشور پدید آمد و بشکل ساده وجود داشت، بیشتر در اختیار حکومت مرکزی و مسبب آن امیرکبیر بود و شامل صنایعی مانند چیت‌سازی، بلورسازی، تسلیحات و ضرب سکه میشد. صنایع بومی و محلی تا حدی جوابگوی نیازهای عموم مردم بود، اما آرام آرام شاهد ورود موادی مانند نفت یا اجناسی نظیر ادویه، قند، شکر، چای و برخی منسوجات نخی و پشمی هستیم. سماور و چینی روسیه، چینی آلمان، کفش و پارچه‌های فاستونی انگلیس، بلورهای خارجی همه از محصولاتی بودند که وارد ایران میشدند و در اختیار اقلیت ثروتمند قرار میگرفتند. بسیاری از محصولات بدلیل ناتوان بودن در رقابت با محصولات خارجی و اقدامات کشورهای استعمارگر بمرور با ورشکستگی روبرو شدند. بازرگانان و تجار داخلی نیز چون توان مقاومت و رقابت با تولیدات کارخانه‌های غربی را نداشتند، بمرور به سمت تجارت کالاهای وارداتی و خرید و فروش پیش رفتند و همین مسئله موجبات سلطه اقتصادی و سیاسی دولتهای استعمارگر را فراهم کرد.

تحمیل قراردادهای سنگین و مخرب و کسب امتیازهای مختلف اقتصادی، عدم رقابت کالاهای داخلی - که با قیمت و هزینه زیاد تولید میشد - با کالاهای خارجی، محو نابودی تدریجی صنایع پیشه‌وری و نبودن امکانات کافی برای احداث صنایع کارخانه‌یی به شکل اروپایی آن، ترویج کالاهای مصرفی خارجی، تغییرات در الگوهای تولیدات کشاورزی مطابق با نیازهای بین‌المللی نظیر تولید پنبه، تریاک، برنج باعث گردید که اقتصاد ایران با اختلافات عمیق و ریشه‌یی مواجه گردد. این مسئله بخصوص خود را در صادرات و واردات نشان داد؛ بشکلی که توازن صادرات و واردات ایران را با نارسایی همراه ساخت. از لحاظ ساختار و ترکیب تجاری، صادرات ابریشم در اولویت بود و سپس برنج در کنار آن قرار گرفت. بعد از آن، پنبه که متناسب با نیازهای بین‌المللی بود، افزایش یافت. صادرات خشکبار در مرحله بعدی قرار داشت (رزاقی، ۱۳۷۱: ۱۰).

هر چند ایران با استفاده از صنایع بومی و محلی خود نیازهای داخلی خویش را تأمین میکرد، با سرازیر شدن کالاهای صنعتی ارزان قیمت غرب، آسیبهای جدی بر پیکره صنایع نوپای ایران وارد شد. خیل عظیم واردات منسوجات که لجام گسیخته بود، باعث گردید بسیاری از منسوجات تولیدی داخلی بخصوص پارچه‌های نخی در شهرهای اصفهان، کاشان و یزد رو به کاهش گذارد و حتی در مسیر نابودی قرار بگیرد. در این جریان فقط صنایع قالیبافی که در اروپا بی‌رقیب بود، توانست خود را سرپا نگه دارد (همان: ۱۱).

تجارت

ایران از گذشته‌های دور بدلیل موقعیت استراتژیک، هموار مورد توجه کشورهای مختلف از نظر سیاسی، اقتصادی و تجاری بوده است. عبور دو راه تجاری مهم از ایران همواره بر اهمیت این سرزمین از جهات سیاسی و تجاری افزوده است. از قرن هفتم تا قرن دهم هجری، ایران از رونق تجاری خوبی برخوردار بود. تشکیل دولت صفوی موجب رونق بیشتر تجارت در ایران شد. حضور تجاری پرتغالی، هلندی، انگلیسی و سرانجام فرانسوی در عصر صفوی دال بر رونق تجاری آن زمان میباشد (جمالزاده، ۱۳۶۲: ۴-۵؛ کرزن، ۱۳۷۳: ۶۳۰-۶۳۱/۲).

در زمان صفویه، تجار پرتغالی، هلندی، انگلیسی و فرانسوی تجارتخانه‌های معتبری را در بنادر جنوب ایران و شیراز و اصفهان تأسیس کردند و به تجارت میپرداختند. از میان محصولات ایران، ابریشم خام، محصولات کشاورزی، فرآورده‌های هنری و ظریف هنرمندان و صنعتگران ایران را میخریدند و با خود به اروپا میبردند و در مقابل، بعضی کالاها مانند ماهوت و پارچه‌های پشمی و

برخی تولیدات اروپا را وارد بازارهای ایران می‌کردند. ناگفته نماند چه در زمان صفویه و چه پیش از آن، بخشی از تجارت ایران از طریق دریای خزر صورت می‌گرفت.

با ظهور نادرشاه در صحنه سیاسی ایران، اقدامات فراوانی در زمینه تجاری و نیروی دریایی در دریای خزر و خلیج فارس انجام گرفت. تجارتي که در این دوران برقرار بود، مانند دوران صفویه پر رونق نبود. با مرگ نادرشاه کوششهای او در زمینه تجارت و نیروی دریایی بی نتیجه ماند. رفته رفته با روی کار آمدن کریم خان زند، تجارت و بازرگانی بخصوص در جنوب کشور رونق بیشتری گرفت (عیسوی، ۱۳۶۹: ۱۵-۱۸). انقلاب صنعتی در اروپا همزمان با آغاز عصر قاجار در ایران بود. صنعتگران اروپایی با انبوه تولیدات کارخانجات خود و نبود بازار کافی و همچنین کمبود مواد اولیه به فکر مناطقی بودند که هم بازار مناسبی برای فروش محصولاتشان باشد و هم محل مناسبی برای تهیه مواد اولیه و خام کارخانه‌های آنها باشد؛ در نتیجه به کشورهای آسیایی و آفریقایی روی آوردند و آنها را مورد تهاجمات استعماری خود قرار دادند و بتبع آن، ایران نیز مورد توجه آنها قرار گرفت. انگلیس و روسیه از لحاظ تجاری در یک راستا بودند و بدنبال آنها کشورهای دیگر قرار داشتند. پس از شکست ایران در دوره دوم جنگهای ایران و روس و عقد قرارداد تجاری ترکمانچای، روندی بر تجارت ایران حاکم شد که متأثر از این معاهده بود. این عهدنامه در تاریخ ۵ شعبان ۱۲۴۳ هـ.ق بسته شد (مرکز اسناد و خدمات و پژوهشی وزارت امور خارجه، کارتن ۱، پرونده ۲۹، اسناد ۱۲۴۳ق). قرارداد تجاری ضمیمه عهدنامه ترکمانچای هر چند برای روسها اهمیت فراوانی داشت، برای تجار و بازرگانان ایرانی عواقب مثبتی در پی نداشت. به این دلیل که آنها علاوه بر عوارض ۵٪، حق راهداری هم میپرداختند و این بگونه‌یی بود که تجار و بازرگانان خارجی تنها یکبار برای کالاهای تجاری خود عوارض میپرداختند. با وجود مشکلات فراوانی که بر سر راه بازرگانان ایران بود و عدم حمایت دولتمردان از تجار، باز شاهد پیشرفت تجارت خارجی در دوره‌یی طولانی هستیم که میتوان از میان آنها به مواردی مانند تحت نفوذ قرار گرفتن تجارت ایران، از بین رفتن استقلال گمرکی، تضمین تجارت روسیه و تجار این کشور و تسلط یک سده‌یی آنان بر ایران اشاره کرد. نبود راههای ارتباطی و وسایل حمل و نقل مناسب موجب میشد بازرگانان و تجار داخلی، کالاهای صادراتی را با هزینه‌های زیاد و سود کم به بنادر خلیج فارس و دریای عمان در جنوب و دریای خزر در شمال برسانند و در اختیار تجار خارجی قرار دهند. در حقیقت، این تجار و بازرگانان خارجی بودند که از تجارت با ایران بیشترین سود را میبردند. تجارت خارجی ایران در قالب صادرات و واردات خلاصه میشد. مسئله کمتر بودن

صادرات از واردات گریبانگیر ایران و حتی بسیاری از کشورهای صنعتی دنیا بود. در تجارت خارجی ایران، روس و انگلیس و عثمانی به ترتیب رتبه‌های اول تا سوم قرار داشتند. بانک استقراضی: مبادلات بازرگانی از دیرباز میان ایرانیان و روسها وجود داشت. با آغاز حکومت قاجاریه و از زمان فتحعلی شاه بعد، مبادلات تجاری و بازرگانی میان آنها بیشتر شده و با استعانت از دو عهدنامه گلستان و ترکمانچای و ملحقات آن، نفوذ بازرگانی و سیاسی روسها در ایران رو به فزونی نهاده و آنها هر بار امتیازهای بیشتری در امور سیاسی و بازرگانی کسب کرده‌اند. آنها در پی این امتیازهای تجاری میکوشید سیاستی را در پیش گیرند که تمامی شهرهای شمال ایران را زیر نفوذ خود در آورد و آنها را از هر حیث به خود متکی سازد و با همین سیاست سهم و مقام بزرگی را در تجارت خارجی ایران بدست آورد. بمرور، حجم تجارت روسیه در کشور و میزان ورود کالاهای روسی به ایران از واردات دیگر کشورها پیشی گرفت؛ بطوری که در سال ۱۹۰۱م، حجم تجارت روسیه ۶۲٪ کل تجارت ایران را دربرمیگرفت و این روند روزافزون در زمان پادشاهی مظفرالدین شاه بود که اعمال سیاستهای غلط و گرفتن وامهای کلان از روسیه، نفوذ آنها به دخالت در کشور تبدیل شده بود. صاحب امتیاز بانک استقراضی روس، شخصی به نام ژاک پولیاکوف بود. وی با شخصی بنام رافالوویچ که پیشتر کنسول ایران مقیم ادسا بود، شراکت داشت. پولیاکف بعد از اینکه طرح راه آهن ایران نتیجه بی نگرفت، به فکر تأسیس بانک در ایران افتاد. بعد از مذاکراتی که میان او و دولتمردان ایران صورت گرفت، قرار بر این شد که این مؤسسه کارهایی را که در زمینه بانکی در اختیار بانک شاهنشاهی ایران است، انجام ندهد. این طرح در زمان ناصرالدین شاه و صدرات اعظمی امین السلطان و در دوران وزارت خارجه امین الدوله میان ایران و پولیاکف اجرا شد (تیموری، ۱۳۳۲: ۳۳۶-۳۳۹). این بانک در سال ۱۳۲۰ هـ.ق به بانک استقراضی ایران تغییر نام پیدا کرد (عیسوی، ۱۳۶۹: ۵۴۲).

گمرک و تأثیر آن بر تجارت: مسئله گمرک و دریافت عوارض گمرکی از گذشته‌های دور در ایران مورد توجه بوده است. در زمان اشکانیان توجه خاصی به این امر میشده و حتی راولنسون، خاورشناس مشهور انگلیسی، به این امر اشاره میکند. وی عقیده دارد در زمان اشکانیان اداره گمرک دایر بوده و کالاهایی که وارد میشده، در دفترهایی ثبت میگرددیده و از دارندگان کالا عوارض دریافت میشده است. کالاهای صادراتی از پرداخت حقوق و عوارض گمرکی معاف بودند (یکتایی، ۱۳۵۵: ۱۹). در زمان ساسانیان نیز باج راهداری از کالاهای بازرگانی و کاروانرو در راهها و گمرکخانه‌ها معمول بود. در صدر اسلام این مسئله تا حدی مشخص نبود و از زمان

امویان و عباسیان بجز چند کتاب *الخراج و الاموال* و فهرست ارقام و اسناد بیش از این اطلاعاتی در دست نیست. در دوره آل بویه، بخصوص در زمان عضدالدوله دیلمی بدلیل توسعه بازرگانی در خلیج فارس باج راه و اخراجات از حاجیان و زئران بیت‌الله‌الحرام دریافت میگردید. در دوره سلجوقیان، بخصوص در زمان آل بارسلان و ملکشاه مقررات مالی و نیز گمرکی رواج داشت. بعد از آن، مدتها بدلیل ناامنی در مرزها و راهها امور مالی و گمرکی مختل بود (همان: ۳۱-۳۴) تا اینکه در زمان صفویه دوباره مورد توجه قرار گرفت.

بعد از جنگهای ایران و روس در دوره اول و دوم و طی معاهدات گلستان ۱۲۲۸ هـ.ق و ترکمانچای ۱۲۴۳ هـ.ق که میان ایران و روسیه بسته شد، مطابق با فصل نهم گلستان و بند سوم عهدنامه تجاری ضمیمه ترکمانچای عوارض گمرکی صدی پنج بود. تا سال ۱۳۱۷ هـ.ق همه گمرک ایران اجاره داده میشد. مبلغ اجاره گمرک در سالهای ۱۳۱۶ و ۱۳۱۷ هـ.ق سه کرور تومان (سیصد هزار لیره) بود. حق گمرکی به ملیت تاجر و صاحب مال‌التجاره بستگی داشت؛ بطوری که از ایرانیان ۳٪ و از اتباع خارجی ۵٪ دریافت میشد. این مقدار هم بر واردات و صادرات تعلق می‌گرفت. در ذی‌العقده ۱۳۱۷ هـ.ق اصول اجاره گمرک ایران منسوخ گردید و تنها در آذربایجان و کرمانشاه برقرار بود و سال بعد یعنی ۱۳۱۸ هـ.ق گمرک کل ایران از اختیار مستأجران خارج گردید (جمالزاده، ۱۳۶۲: ۳۸ - ۱۳۰ - ۱۳۱). میرزا علی‌خان امین‌الدوله در سال ۱۳۱۵ هـ.ق سه نفر بلژیکی بنامهای نوز، پریم و انگلس را برای اصلاح کارهای گمرکی و ضرابخانه به استخدام دولت ایران درآورد و در ذی‌العقده ۱۳۱۶ هـ.ق آنها مأمور بررسی گمرک تبریز و کرمانشاه شدند. اداره گمرکی تهران در اختیار مسیو نوز قرار گرفت. رفته‌رفته وی بر گمرک کرمانشاه، رشت و انزلی مسلط شد؛ بطوری که حتی به ریاست کل گمرک ایران رسید. با وجود تخطیهای نوز در امر گمرک، باید وی را بنیانگذار نظام و اداره گمرک ایران در آن زمان دانست. در امتداد حضور بلژیکیها در سیستم گمرکی ایران، بعدها در ۵ شوال ۱۳۲۱ هـ.ق چند بلژیکی دیگر نیز وارد ایران شدند (همان: ۱۳۱-۱۳۲). در سال ۱۳۱۹ هـ.ق قراردادی میان ایران و روسیه منعقد گردید. این قرارداد تعرفه گمرکی قبل را که ۵٪ بود، تغییر داد و تعرفه جدیدی را وضع کرد. قرارداد در رمضان ۱۳۲۰ هـ.ق مورد تأیید قرار گرفت و در ذی‌العقده ۱۳۲۱ هـ.ق به اجرا درآمد (همان: ۳۸).

این قرارنامه بدنبال تقاضای وام امین‌السلطان برای دومین بار از روسیه مطرح شد و یکی از شرایط روسیه برای پرداخت وام به ایران، این بود که در مقررات بازرگانی و تعرفه گمرکی موجود، دولت ایران تجدیدنظر کند و نرخ گمرکی را بنفع روسیه کاهش دهد. ایران با این قرارداد اختیارات خود

را در امور گمرک از دست داد و حق تغییر را هم نداشت و نمیتوانست بدون رضایت روسیه حقوق گمرکی خود را کم یا زیاد نماید و بعضی از صنایع ایران را با نابودی مواجه ساخت؛ چراکه روسیه در صدد جلب مواد خام ایران بود. علاوه بر این، مصنوعات ایران را یا از ورود به روسیه با ممنوعیت روبرو میکرد یا تابع حقوق سنگین میساخت.

نقش دریای خزر در روابط تجاری ایران و روسیه: از زمان صفویه، بویژه در اواخر آن، در تجارت دریای خزر، بخصوص میان ایران و روسیه تحول عمیقی ایجاد شد؛ هر چند پیش از آن فعالیت بازرگانی در این دریا وجود داشت. رودخانه ولگا نه تنها در تجارت میان ایران و روسیه نقش داشت، بلکه در بازرگانی ترانزیتی هم تأثیرگذار بود. در دوران پادشاهی نادرشاه و از سال ۱۱۵۴ هـ.ق به بعد، در ناوگان تجاری و نظامی دریای خزر گام مهمی برداشته شد، اما این مسئله مقطعی بود و بعد از مرگ نادر به بوته فراموشی سپرده شد.

از زمان پتر کبیر به بعد ۱۱۰۰ هـ.ق روسها به فعال مایشاء در دریای خزر تبدیل شدند، بشکلی که دریای خزر تحت سلطه کامل روسها قرار گرفت. در آن زمان ناوگان تجاری روسیه بیشترین نقش را در تجارت میان ایران و روسیه و تجارت ترانزیتی دارا بود. این برتری روسیه و تأثیرگذاری در طی دوره‌های بعد تداوم یافت.

در دوره قاجار بخصوص بعد از عهدنامه ترکمانچای ۱۲۴۳ هـ.ق روابط ایران، بویژه تجارت ایران از طریق دریای خزر، وارد مرحله نوینی شد. عهدنامه ترکمانچای و ضمیمه تجاری آن، خواهناخواه بر مناسبات تجاری ایران و روسیه بیش از پیش تأثیر گذاشت و به آن رونق و ترقی داد؛ آنچنانکه بیشترین روابط تجاری ایران از راه دریای خزر صورت میگرفت و از میان بنادر ایرانی، بیشترین نقش را بندر انزلی در مناسبات بازرگانی ایران و روسیه بازی میکرد.

صادرات و واردات ایران از راه دریای خزر

صادرات و واردات ایران از راه دریای خزر پیش از معاهده ترکمانچای: علاوه بر روسها اقوام دیگری نظیر خزرها که نقش واسطه را در تجارت بازی میکردند، در تجارت دریای خزر تأثیرگذار بودند. بازرگانان روس بعضی کالاها مانند پوست خز و پوست روباه را از طریق دریای خزر به گرگان حمل میکردند و سپس از آنجا با شتر از ایران عبور داده و به بغداد میبردند. از طرف دیگر، تجار روس از سمت شرق به بلخ و ماوراءالنهر و از آنجا به چین میرفتند و به داد و ستد میپرداختند (ابن خردادبه، ۱۹۶۷: ۱۵۴-۱۵۵).

علاوه بر بازرگانان روس، اقوام مختلف دیگری در دوران جدید نظیر عربها، هندیها، ترکها، مردم جنوا (ژن، فلورانس و ونیز) ارامنه، پرتغالیها، انگلیسیها و فرانسویها حساب ویژه‌یی برای ابریشم گیلان باز کرده بودند. مارکوپولو، جهانگرد معروف ایتالیایی که در اواخر قرن سیزده میلادی به ایران سفر کرد، اشاره میکند که تجار و بازرگانان جنوایی در دریای خزر به کشتیرانی مشغول بودند و از این راه با ایران روابط تجاری داشتند و بخصوص آنکه با مردم گیلان به داد و ستد ابریشم میپرداختند (مارکوپولو، ۱۳۵۰: ۳۱-۳۵).

تشکیل کمپانی مسکوی در سال ۱۰۶۱ هـ.ق توسط ریچارد شانسلر انگلیسی در زمان ایوان واسیلویچ، دال بر توجه به راه خشکی از طریق روسیه با سرزمینهای شرق و جنوب دریای خزر بود؛ تلاشی در جهت ایجاد راه خشکی جدید در مقابل تسلط عثمانی بر بیزناس از راه روسیه. این شرکت قصد داشت ایران را در حوزه فعالیت خود درآورد و بدنبال اهدافی بود که نخست، مناطق ابریشم‌خیز ولایات شمالی حاشیه دریای خزر را در اختیار خود قرار دهد و رقبای دیگر بخصوص پرتغالیها را کنار زند و دیگر اینکه به منافع ثروت هندوستان که پرتغالیها از طریق دریا به آن دست یافتند، از طریق خشکی و از راه ایران به آن دست یابند (کرزن، ۱۳۷۳: ۶۳۴-۶۳۵/۲؛ سایکس، ۱۳۳۵: ۲۵۷-۲۶۲/۲). بعد از ریچارد شانسلر، آنتونی جنکینسون به ریاست کل کشتیهای شرکت مسکوی که بسوی روسیه حرکت میکردند، انتخاب شد. وی برای افتتاح راه بازرگانی از راه دریای خزر، میان روسیه، کشورهای آسیانه میانه و از جمله خود ایران تلاش گسترده‌یی انجام داد تا بتواند از این طریق مستقیماً به ابریشم مناطق شمالی ایران دست یابد؛ اگرچه امتیازهایی در این زمینه از دولت صفویه بدست آورد، اما اقدامات کمپانی مسکوی نتیجه چندان مثبتی را در پی نداشت (بریمانی، ۱۳۲۶: ۶۹).

گزارش گمرکی حاجی طرخان در طی سالهای ۱۱۵۷-۱۱۵۰ هـ.ق همزمان با سلطنت نادرشاه در ایران از فعالیت بازرگانان و اقوامی نظیر ارامنه، ایرانیان، روسی، انگلیسی، هندی، عثمانی، خبوه و بخارا از طریق حاجی طرخان و رود ولگا با روسیه و اروپا حکایت دارد (مفخم پایان، ۱۳۷۵: ۴۰۳). در دوران کریم‌خان زند و در سال ۱۱۶۶ هـ.ق روسها برای بسط و ترقی تجارت با ایران بخصوص از طریق دریای خزر تلاش زیادی کردند. بر طبق اطلاعات هانوی، تاجر و سیاح انگلیس، تجار آستراخان در میانه قرن هجدهم با ایران روابط تجاری خوبی داشتند. صادرات ایران به روسیه در سال ۱۲۰۷ هـ.ق به ۵۱۱/۲۶۰ روبل رسید که حدود ۵۵٪ نسبت به سالهای ۱۱۷۲-۱۱۷۴ هـ.ق رشد داشت (معتضد، ۱۳۶۶: ۲۳۸).

کالاهایی که از آن زمان صفویه تا قاجاریه از طریق دریای خزر و رود ولگا به روسیه و یا از راه سن پترزبورگ به اروپا صادر میشد، بدین قرار بودند: انواع پارچه‌های اطلس و مخمل و ابریشم که به قزلباش شهرت داشتند، منسوجات پشمی زربفت، پارچه‌های نیمه ابریشمی بنام قطنی، روسریهای ابریشمی موسوم به فته متقال، پوستین، اسلحه، شمشیر قزلباش، کمان، مروارید هرمز، فیروزه، انواع رنگهای طبیعی، پوست و خشکبار و میوه‌جات (مفخم پایان، ۱۳۷۵: ۴۰۲-۴۰۳).

صادرات و واردات ایران از راه دریای خزر پس از معاهده ترکمانچای: بعد از انعقاد عهدنامه‌های گلستان و ترکمانچای، روسها از این ناحیه امتیازهای زیادی بدست آوردند. تسلط بی چون و چرای روسها بر دریای خزر تحت تأثیر این قراردادها بود. دولت روسیه سعی بر صادر کردن مواد خام مورد نیاز کارخانجات روس از ایران را داشت و همچنین انحصار تجارت را برای خود فراهم کرده بود تا از این طریق، کالاهای تجاری خود را در ایران به فروش برساند (تاجبخش، ۱۳۶۲: ۲۶۲).

بخش عمده صادرات ایران را محصولات کشاورزی و دام و فرآورده‌های دامی تشکیل میداد. در کنار آن، بخش کمی از صادرات صنعتی ایران را صنایع دستی نظیر قالی‌بافی و منسوجات ابریشم دربرمیگرفت. هرچند در اوایل، واردات بیشتر از صادرات بود، رفته‌رفته صادرات رو به فزونی گذاشت؛ بعنوان نمونه، کل صادرات ایران از طریق بندرهای جنوب و راههای خشکی و بندرهای دریای خزر در سال ۲۰-۱۳۱۹ هـ.ق نصف واردات بود. این در صورتی بود که مقدار صادرات در سال ۲۷-۱۳۲۶ هـ.ق افزایش یافت و واردات فقط ۱۵٪ بیشتر از صادرات بود (جمالزاده، ۱۳۶۲: ۱۶).

ایران با توجه به همه موانع و محدودیتهای خارجی، در روابط تجاری خود با روسیه تزاری، بازرگانی مثبتی داشت و هرچند واردات ایران از روسیه همواره تا جنگ جهانی اول رو به افزایش بود، این بدان معنی نبود که صادرات ایران به روسیه کاهش داشته است. پا به پای افزایش واردات، صادرات ایران به روسیه نیز افزایش یافته بود. بنظر میرسد تا سال ۱۳۱۸ هـ.ق کفه ترازو به نفع ایران سنگینی میکرد و صادرات ایران به روسیه بر وارداتش از آن کشور برتری داشت. موانع و محدودیتهای داخلی در ایران برای تجار و بازرگانان و بصورت کلی تجارت بود. نبود بافت و ترکیب صنعت محلی ایران و موقعیت ایران از لحاظ کشاورزی، وضع راههای مالرو و عدم امنیت کافی، پیشامدهای ناگهانی مانند آفات و وبا و ... سیستم ناهنجار اجاره دادن و درآمد گمرک، فقدان بندرهای مناسب، احتکارهای حرص آمیز همراه با روش آزمندانة حکام نواحی مختلف، بی‌اعتنایی تجار ایرانی به رعایت قول و قرارهای تجاری ناشی از وضع ناهنجار داخلی تجارت و عدم حمایت دولت، عواملی بودند که نه تنها در تجارت داخلی پیامدهای منفی بجای

گذاشتند، بلکه در تجارت خارجی هم اخلال ایجاد کردند. در ایران نه تنها بازرگانان و تجار تشویق نمیشدند، بلکه دولت و حکام دست‌اندرکار موانع زیادی را بر سر راه تجارت ایجاد میکردند که از جمله میتوان از عوارض گمرکی و راهداری نام برد. روسیه با انگلیس در تصرف بازار تجاری ایران در رقابت بود، تا جایی که علاوه بر نواحی شمالی ایران، نفوذ خود را بعد از ۱۸۷۰م. به نواحی مرکزی فلات ایران کشاند. چالز فرانسیس مکنزی در دهه هفتاد میلادی از سرعت صادرات و انتقال کالاها و اجناس روسی در نواحی مرکزی و جنوب ایران خبر میدهد و آن را زنگ خطری برای دولت انگلیس مطرح میکند. با نگاه به روابط تجاری ایران و روسیه، ایران وابستگی شدیدی به بازارهای روسیه داشته است و دریای خزر نقش بسیار پررنگی در تجارت میان دو کشور بازی نمیکرده است.

نتیجه‌گیری

از گذشته‌های دور دریای خزر بعلت موقعیت ارتباطی، جغرافیایی، ذخایر غنی و ارزنده، همیشه مورد توجه اقوام منطقه و فرمانطقه بوده است و در این دوره هم این دریا تأثیرات عمیق و بنیادینی در روابط سیاسی و تجاری منطقه از خود برجای گذاشته است. همچنین این دریا در طول تاریخ مورد توجه تجار و اقوام تاجرپیشه مانند خزرها و ونیزیها بوده است، اما از زمان صفویه، بخصوص از اواخر این دوره و همزمان با ظهور پترکبیر در روسیه و تعیین سیاستهای خاصی از سوی وی برای دستیابی به خلیج فارس، وارد مرحله جدیدی از توجه‌های اقتصادی و سیاسی شد. موقعیت و شرایط ایران در زمینه‌های کشاورزی و دامپروری و در اختیار داشتن محصولات همچون ابریشم، پنبه، برنج، فرش، خشکبار، میوه‌جات، پوست و پشم، شیلات، چوب‌آلات و در مجموع مواد خام موجب شده بود کشورهای زیادی در همسایگی و مناطق دورتر برای بدست آوردن مواد مورد نیاز خود علاقمند به تجارت و مداخله سیاسی در امور کشور شوند. قرارگیری مناطق حاصلخیز و شهرهای شمالی ایران مانند آذربایجان، گیلان، مازندران، استرآباد و خراسان در کنار دریای خزر و موقعیت و امکانات بالقوه آنها در زمینه‌های اقتصادی و تجاری موجب شد این مناطق و دریای خزر از زمان صفویه به بعد، بخصوص از دوره قاجار مورد توجه کشورهای مختلف بویژه روسیه قرار گیرد.

با تثبیت و استحکام سلطنت در خاندان رومانف و روی کار آمدن پتر کبیر، سیاست دریای روسیه یعنی دست‌درازی بر دریاها از جمله دریای خزر نمود بیشتری یافت. سيطرةطلبی روسیه، ایران

را از ابعاد گوناگون اقتصادی و سیاسی دچار مشکلات فراوانی کرد. وجود دریای خزر در شمال و خلیج فارس در جنوب و همسایگی ایران با کشورهای ثروتمندی همچون هندوستان، دولت روسیه را بیش از پیش متوجه ایران ساخت. جنگهای ایران و روس در دو دوره و شکست ایران و انعقاد عهدنامه گلستان و ترکمانچای از پی آن و از دست رفتن بخشی از ایران از جمله دریای خزر موجب شد روسها تفوق و برتری خود را بر سایر اقوام در دریای خزر مسجل کنند. این مسئله بیش از پیش زمینه گسترش نفوذ دولت روسیه را بر سواحل ایرانی دریای خزر فراهم نمود. با توجه به موقعیت ممتاز اقتصادی و ارتباطی دریای خزر که مورد توجه اقوام حاشیه نشین و ملت‌های دیگر بوده، در بحث صادرات و واردات در این پژوهش، به نقش و تأثیرگذاری دریای خزر در تجارت ایران و روسیه اشاره گردیده است. تجارت دریای خزر بعد از انعقاد قرارداد ترکمانچای در سال ۱۲۴۳ هـ.ق وارد مرحله جدیدی شد و رفته رفته رشد و نمو پیدا کرد. روسها بعد از انعقاد قرارداد ترکمانچای تبدیل به فعال مایشاء در دریای خزر شدند. آنها با تحقیقات وسیع و تلاش گسترده خود در ترقی تجارت دریای خزر، تأثیر بنیادین و عمیقی داشتند؛ بطوری که امنیت و رونق تجاری دریای خزر، مرهون اقدامات و سرمایه‌گذاری عظیم آنها در بخشهای گوناگون حمل و نقل دریایی و تأسیس خطوط کشتیرانی منظم، احداث خطوط راه آهن و اتصال آن به بندرهای دریای خزر و راهسازی در ایران بوده است.

نیاز روسیه به ذخایر غنی ایران در زمینه تولیدات کشاورزی و دامی و کالاهایی نظیر ابریشم، پنبه، میوه‌جات و خشکبار، برنج، فرش، پوست و پشم و چوب جنگلهای شمال، ایران را برای ایشان مهم جلوه داد. محصولاتمانند منسوجات، قند و شکر، نفت، فلزات و وابستگی صادرات ایرات به روسیه باعث گردید دریای خزر رفته رفته در امر حمل و نقل ارتباطی توسعه یابد.

هر چند قسمتی از تجارت ایران و روسیه از راههای سرحدی خشکی انجام میشد، اما با توجه به موقعیت ارتباطی دریای خزر و وجود رودخانه ولگا و همچنین از زمان توسعه و گسترش حمل و نقل دریایی بخصوص از دهه ۱۲۷۷ هـ.ق و توسعه تأسیسات راه آهنی از ۱۲۸۷ هـ.ق به بعد و امتداد آن به بندرهای روسی دریای خزر مانند باکو، آستاراخان و کراسنودسک، تجارت دریای خزر با رشد مضاعفی همراه شد؛ بطوری که دریای خزر بیشترین نقش را در تجارت ایران و روسیه بازی میکرد.

علاوه بر آن، در تجارت ترانزیتی میان ایران و اروپا نیز تأثیرگذار بود. در اوایل دوره قاجار بیش از نصف صادرات ایران، به روسیه صورت میگرفت، اما رفته رفته از اواخر پادشاهی ناصرالدین

شاه بیش از دو سوم صادرات ایران به روسیه بود و در واردات نیز بیشترین سهم را روسیه داشت. از دهه ۱۲۸۷ هـ.ق به بعد بیش از ۶۰٪ صادرات به روسیه و ۵۰٪ واردات از روسیه از طریق دریای خزر صورت میگرفت که بخشی از آن، صادرات ترانزیتی اروپا به ایران و برعکس را در برمیگرفت. بطور کلی تجارت و بازرگانی در دریای خزر همواره برقرار بود و تا جنگ جهانی اول از رونق خوبی برخوردار بود. رفته رفته بدلیل حمل و نقل سریع دریایی و بخصوص تأسیسات راه آهنی و بندری در باکو و آستراخان در روسیه و توسعه بندر انزلی در ایران، تجارت در دریای خزر گسترش پیدا کرد و بخش اعظم تجارت ایران و روسیه از بندرهای دریای خزر، بخصوص بندر باکو و انزلی صورت میگرفت. اما شروع جنگ جهانی اول و بحرانیهای پدید آمده مدتی تجارت دریای خزر را با وقفه و رکود مواجه ساخت. روسیه در روابط با ایران فقط بدنبال اهداف سیاسی نبود و حضور پررنگ روسها در عرصه صادرات و واردات، خیل عظیم تجارتخانه‌های روسی در این کشور، فعالیت فراوان آنها در توسعه راهها و حمل و نقل، گویای نیازمندیهای روسیه به مال‌التجاره‌های ایران، وجود راه آبی دریای خزر و دیگر راههای سرحدی خشکی دستیابی روسیه را به امتعه تجاری ایران تسهیل میکرد. هرچند در روابط تجاری و بازرگانی روسیه با ایران مطامع سیاسی هم گنجانده شده بود، اما نباید اینگونه نتیجه‌گیری کرد که روسها فقط برای اهداف سیاسی خود و کسب جای پای و تثبیت موقعیت خویش در ایران، با دولت ایران و تجارشان تجارت میکردند، بلکه آنان همواره به مواد اولیه و محصولات کشاورزی ایران نیاز شدیدی داشتند. ایران در مناسبات تجاری خود با روسیه بخصوص از راه دریای خزر با توجه به فراز و نشیبهای فراوان دارای تراز بازرگانی مثبت بوده است.

منابع

- ابن اسفندیار کاتب، بهاء‌الدین محمدحسن؛ *افکار اجتماعی و اقتصادی و سیاسی در آثار منتشر نشده دوران قاجار*، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۶۶.
- ابن خردادبه، ابن عبدالله؛ *المسالك و الممالک*، چاپ لیدن، ۱۹۶۷ م.
- افشار سیستانی، ایرج؛ *دریای مازندران*، تهران: انتشارات وزارت خارجه، ۱۳۸۱.
- امیر احمدیان، بهرام؛ «جغرافیای دریای خزر»، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، تابستان، دوره دوم، سال پنجم، شماره چهاردهم، ۱۳۷۵.
- ایوانف، م.س؛ *تاریخ نوین ایران*، ترجمه هوشنگ تیزابی و حسن قائم‌پناه، تهران: انتشارات طوفان، ۱۳۵۶.
- آدمیت، فریدون؛ *امیرکبیر و ایران*، تهران: انتشارات خوارزمی، چاپ سوم، ۱۳۴۸.

- بارتولد، واسیلی ولادمیر؛ جایگاه مناطق اطراف در دریای خزر در تاریخ جهان اسلام، ترجمه لیلا رین شه، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۵.
- بریمانی، احمد؛ دریای خزر یا دریای مازندران، تهران: چاپخانه رنگین، ۱۳۲۶.
- تاجبخش، احمد؛ سیاستهای استعماری روسیه تزاری انگلستان و فرانسه در ایران (نیمه قرن نوزدهم)، تهران: انتشارات اقبال، ۱۳۶۲.
- تیموری، ابراهیم؛ عصر بی خبری (تاریخ امتیازات ایران)، تهران: انتشارات اقبال، ۱۳۳۲.
- جمالزاده، محمدعلی؛ گنج شایگان، تهران: کتاب تهران، ۱۳۶۲.
- حسن اصفهانی، حمزه بن علی؛ تاریخ سنی ملوک الارض و الانبیا، بیروت: منشورات دار مکتبه الحیاة، ۱۳۴۶.
- رزاقی، ابراهیم؛ اقتصاد ایران، تهران: نشر نی، چاپ سوم، ۱۳۷۱.
- سایکس، سرپرستی؛ تاریخ ایران، ترجمه سید محمدتقی فخر داعی گیلانی، تهران: مؤسسه مطبوعاتی علی اکبر علمی، چاپ دوم، ۱۳۳۵.
- شمیم، علی اصغر؛ تاریخ ایران در دوره قاجار، تهران: نشر مدبر، چاپ ششم، ۱۳۷۴.
- طبری، احسان؛ ایران در دو سده واپسین، تهران: حزب توده، ۱۳۶۰.
- عسگری، علی بابا؛ بهشهر (اشرف البلاد)، تهران: بی نا، ۱۳۵۰.
- عیسوی، چارلز؛ تاریخ اقتصادی ایران در عصر قاجار (۱۸۰۰-۱۹۱۴ م)، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نشر گستره، چاپ دوم، ۱۳۶۹.
- فرنیغ دادگی؛ بندهشن، گزارنده مهرداد بهار، تهران: انتشارات توس، ۱۳۶۹.
- کرزن، جرج ن؛ ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۲ جلد، چاپ چهارم، ۱۳۷۳.
- کسروی، احمد؛ شهریاران گمنام، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۳۷.
- مارکوپولو؛ سفرنامه مارکوپولو، ترجمه حبیب الله صحیحی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۰.
- مرکز اسناد و خدمات پژوهشی وزارت امور خارجه، کارتن ۱۸، پرونده ۲۸، اسناد ۱۳۰۳ - ۱۳۰۱ هـ.ق.
- مرکز اسناد و خدمات و پژوهشی وزارت امور خارجه، کارتن ۱، پرونده ۲۹، اسناد ۱۲۴۳ هـ.ق.
- معتضد، خسرو؛ حاج امین الضرب و تاریخ تجارت و سرمایه گذاری صنعتی در ایران، تهران: انتشارات آستان قدس، ۱۳۶۶.
- مفخم پایان، لطف الله؛ دریای خزر، ترجمه و تحقیق جعفر خمایی زاده، رشت: انتشارات هدایت، ۱۳۷۵.
- نفیسی، سعید؛ تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر، تهران: انتشارات بنیاد، جلد اول و دوم، چاپ هفتم، ۱۳۶۸.
- یکتایی، مجید؛ تاریخ گمرک ایران، تهران: نشر دانش، ۱۳۵۵.